



برای شما بچه‌های گل دانش آموز، تابستان واقعاً باقی سال فرق دارد. حالا هم که فرق دارد ما تصمیم گرفته‌ایم که چندتایی کتاب برایتان با حال و هوای تابستانی معرفی کنیم که بنشینید زیر کولر، هندوانه و خربزه و طالبی و هلو و شلیل بیاورید، با یک تی‌شرت نخی و لباس راحت ولو بشوید و شروع کنید به مطالعه این کتاب‌های خوشمزه و خوشخوان. بعدش هم اگر دوست داشتید نظراتان را در مورد کتاب‌ها برایمان بفرستید که با نام خودتان منتشر کنیم. به‌به!

تابستان قوها

مأموریت تابستانی پیدا کردن خود

معصومه فراهانی
آموزگار



دیدن قوها از خانه بیرون می‌رود و در جنگل گم می‌شود. سارا به همراه دوستش مأموریت گشتن را شروع و چارلی را پیدا می‌کند. در این جست و جوست که سارا خودش را هم پیدا می‌کند. تابستان قوها داستان سرگشتگی‌های دوران نوجوانی و کشمکش‌های درونی سارا با خود، دوستان و با شرایط خاص زندگی‌اش است. زبان داستان بسیار دلنشین و تأثیرگذار است و با لحن طنزی که دارد، لبخند بر لب خوانندگان می‌آورد و امید به آینده را در آنها زنده می‌کند.

سارا یک دختر نوجوان ناراضی است! ناراضی که می‌گویم یعنی از همه دنیا ناراضی. چیزی در زندگی نیست که برایش دلنشین و خوشحال‌کننده باشد و نسبت به همه چیز زندگی‌اش غر می‌زند. سارای ۱۴ ساله با برادر، خواهر و عمه‌اش در خانه‌ای ویلایی در کنار دریاچه کوچکی زندگی می‌کنند. سارا برادرش چارلی را که ۱۰ سال دارد و دچار معلولیت ذهنی است به کنار دریاچه و تماشای قوها می‌برد. چارلی به قدری شیفته قوها می‌شود که نیمه‌شب برای



ماجرای باورنکردنی تابستان من

خیال‌های رنگی تابستانه

زهرآرزو زاده
روانشناس کودک



قبلاً در ستایش خیال‌پردازی در این جابسیار نوشته‌ام. «ماجرای باورنکردنی تابستان من» نوشته دیوید کالی و ترجمه رضی هیرمندی است که نشر فندق آن را منتشر کرده. این کتاب در مورد کودکی است که تابستان خیال‌انگیزی را گذرانده و اتفاقات عجیبی برایش افتاده و به دنبال گنج، تمام دنیا از چین تا مصر را گشته است. معلم او مثل تمام معلم‌ها روز اول بازشگشایی مدرسه‌ها از او می‌پرسد که تابستانش را چطور گذرانده و او در جوابش یک داستان باورنکردنی تعریف می‌کند. طبق معمول معلم باور نمی‌کند اما این بار... این کتاب نقاشی‌های جذابی دارد و بدون اشاره به نام هر کشور، تصویری از جای جای جهان را آورده و شما می‌توانید با کودکان سنین دبستان، این کتاب را به صورت تعاملی بخوانید و از طنین انداختن بانگ «حوصله‌ام سر رفته‌ها...» در خانه، جلوگیری کنید!



ننه یخی، پسر و تابستان

سلام سبز پسته‌ای، خداحافظی سفید یخی

معصومه فراهانی
آموزگار



فصل پروانه‌ها بود، هانی تور به دست از در و دیوار بالا می‌رفت و دنبال شکار پروانه‌ها بود که ناگهان از بالای دیوار پرت شد پایین. بعد از آن ضربه مغزی دنیای هانی رنگی شد. وقتی آدم‌ها از کنارش رد می‌شدند و صحبت می‌کردند حرف‌های آن‌ها را رنگی می‌دید. حرف‌های خوب روشن و حرف‌های پر دغل و دروغ تیره. همان روزها بود که هانی با ننه‌یخی آشنا شد، کسی که همه حرف‌هایش روشن بود اما گرد غم روی کلماتش نشسته بود. او عزیزانش را گم کرده بود و هانی می‌خواست به او کمک کند گمشده‌هایش را پیدا کند تا گرد غم از حرف‌های روشنش پاک شود.



تابستان اردک ماهی

ماجرای یک تابستان سرد و غمگین

فائزه جعفری
دانش آموز کلاس دهم



تابستان امسال شبیه به هیچ تابستانی نیست. گیزلا، مادر دانیل و لوکاس بیمار است و تمام مدت استراحت می‌کند، سرگیجه دارد و نمی‌تواند حتی چند قدم ساده بردارد. دانیل فکر می‌کند اگر بتواند اردک ماهی توی رود را شکار کند مادرش خوب خواهد شد. اما آنا می‌داند که اینطور نیست و دلش می‌خواهد بتواند جلوی این اتفاق را بگیرد. «یوتا ریشتر» داستان را از زبان آنا تعریف می‌کند. آن هم با شروعی خوب. یعنی وقتی آنا فکر می‌کند این تابستان آخرین تابستان‌شان است. یوتا به خوبی رابطه بچه‌ها و پدر و مادرشان، تنهایی‌شان، دل‌تنگی‌هایشان و حسادت‌هایشان را نشان می‌دهد. نثری آرام، دلپذیر و روان. تابستان اردک ماهی قصه تلاش برای حفظ چیزهایی که دوستشان داریم، تلاشی همراه با امید. در نهایت آن چیز که ما را به ادامه زندگی تشویق می‌کند همین است: امید!



تابستانی به رنگ اقیانوس

فصلی برای تغییر

لادن عظیمی
خبرنگار



جوجو، همه ذهن و فکر کت را پر کرده. از وقتی بابا از دنیا رفت و مادر مجبور شد برای گذران زندگی، بیشتر کار کند، مسئولیت جوجو روی شانه دختر نوجوان خانواده افتاد. جوجو برادر کوچکتر کت است و اتفاقاً بچه سختی هم هست با مشکلات خاص خودش. مادر مجبور می‌شود آن دو را برای مدتی پیش پدر بزرگ و مادر بزرگشان بگذارد ولی کت با این تصمیم موافق نیست چون آن دو برایش غریبه‌اند. ولی این تابستان در کنار دو غریبه، فرصتی می‌شود که کت خودش را بهتر بشناسد و رابطه‌های غلطی را که در زندگی‌اش شکل گرفته، اصلاح کند. دوغریبه‌ای که برخلاف تصور کت، تبدیل به بهترین آشنایان و همراهان زندگی کت می‌شوند. سونتیر: جوجو، همه ذهن و فکر کت را پر کرده. از وقتی بابا از دنیا رفت و مادر مجبور شد برای گذران زندگی، بیشتر کار کند، مسئولیت جوجو روی شانه دختر نوجوان خانواده افتاد.



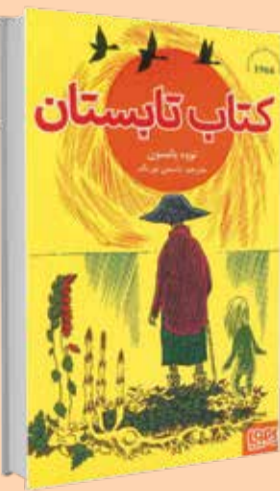
کتاب تابستان

سفر دو نسل متفاوت به جزیره ای متفاوت

معصومه فراهانی
آموزگار



«کتاب تابستان» نوشته «تووه پانسون» داستان یک فرصت بزرگ است، یک فرصت جذاب و بی‌نظیر که هر کسی با کارهای مورد علاقه‌اش آن را پر می‌کند. سوفیا و پدر و مادر بزرگش هم تصمیم می‌گیرند این فرصت جذاب را جذاب‌تر بگذارند. این است که یک برنامه سفر بچینند. سفر به کجا؟ یک جزیره دنج در خلیج فنلاند، جایی که پر است از گیاهان جدید، حیوانات عجیب و طبیعت تازه و دست نخورده. رابطه سوفیا و مادر بزرگ عجیبش در این سفر هیجان‌انگیز پراکتشاف بیشتر از گذشته صمیمی و صمیمی‌تر می‌شود. با اینکه این کتاب در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسیده اما هنوز هم زنده و پر شور و خواندنی است و ما را در سفر نوه و مادر بزرگ شریک می‌کند. این کتاب در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه «هانس کریستین آندرسن» شده است و برای نوجوانان دوره دوم متوسطه مناسب است.



چند قاچ هندوانه خنک!

داستان‌های گرم یک نوجوان جنوبی که الان معلم شده است

مصطفی جواهری
آموزگار



«قصه‌های تابستان» کتابی است هندوانه‌ای! جلدش را که نگاه می‌کنی ته حلقه خنک می‌شود و شیرینی و تردی گل قرمز رنگ هندوانه می‌آید توی دهانت. خانم دریا چوبین که خودش معلم است و سر و کارش با نوجوان‌هاست، پنج تا داستان برای این کتاب نوشته است اما داستان‌هایی از نوجوانی خودش؛ وقتی که خودش در سن و سالی بوده که گاهی اوقات بزرگ‌ترها حسابش نمی‌کرده‌اند. داستان‌ها، از یواشکی کتاب‌خواندن‌های نویسنده جنوبی شروع می‌شود و می‌رسد به هدیه گرفتن کتاب قصه‌های مجید و بعدترش بازی‌ها و سرگرمی‌های تابستانه یک دختر نوجوان و احضار روح در مطبخ دودی در خانه قدیمی مادر بزرگ و شیطنت پسرهای فامیل. قصه‌های تابستان را یک بزرگسال امروزی نوشته از نوجوانی‌های دیروزش، اما جان می‌دهد که زیر باد خنک کولر بنشینید و تکه‌ای هندوانه شیرین به سر جنگال بزنید و همان‌طور که دارید ملج و ملج می‌کنید و آب هندوانه را از گوشه لب‌هایتان پاک می‌کنید، بخوانیدش.



به هر دلیلی نیست و پسرش که ترجیح می‌دهد دانسته‌هایش را به کسی نگوید.

جدا از داستان مامان گمشده، اتفاقات دیگری هم افتاده که زندگی الان جیبی مثل یک جهنم می‌ماند. زیر آن موهای طلایی خوشگل و بلند که همه به آن حسودی می‌کنند، یک دختر ۱۲ ساله ترسیده است. وودرو جیبی در روزهای گرم تابستان همدیگر را پیدا کرده و با هم راجع به دلایل این اتفاقات صحبت می‌کنند؛ حقایقی راجع به گذشته می‌فهمند که دلیل شرایط زندگی الان‌شان است. داستان در شهر ساده و کوچکی می‌گذرد. روزهای معمولی اما ماجراهای نامعمولی! در واقع «روت وایت» از وقایع روزمره، داستان‌های پرکشش می‌آفریند و خواننده را به خوبی با خودش همراه می‌کند.



نگاهی به کتاب پسر خاله وودرو

معمای داغ وسط تابستان

مهديه سبط نبي
دانش آموز کلاس دهم



داستان با یک معما شروع می‌شود: مامان وودرو کجاست؟ وودرو تا روشن شدن موضوع پیش مادر بزرگش زندگی خواهد کرد. خانه مادر بزرگ چسبیده به خانه خاله و دختر خاله‌اش، جیبی. همه پلیس‌ها و روزنامه‌ها دنبال مادر وودرو هستند. ولی وودرو راه‌هایی می‌داند که به آنها نمی‌گوید. در عوض به جیبی می‌گوید. خیلی جنایی و کاراگاهی به نظر می‌رسد. نه؟ زنی که



آن را می‌بندد؛ چون معلوم نیست که جای نیش پشه است یا اثر سمی کشنده! همه سعی می‌کنند به آنی بفهمانند که باید دست از این همه نگرانی بیجا بردارد، اما اونمی‌تواند این کار را بکند، چون دکترها می‌گفتند جرد - برادر بزرگش - هیچ مشکلی ندارد و نگرانی‌شان الکی است... اما جرد مُرد. انگار با این اتفاق تلخ، زندگی آنی هم به پایان رسیده؛ زندگی‌ای که هر روز سخت‌تر می‌شود. اما بالاخره همه چیز تغییر می‌کند. شاید همسایه جدید، همان کسی باشد که می‌تواند لذت‌بردن از زندگی را به آنی یاد دهد: باید سایه امن چتر را رها کنی تا بتوانی نور دلچسب آفتاب را در آغوش بگیری!

می‌دانی احتمال چه خطرهایی هست!؟

زیر چتر دلهره

ریحانه عارف نژاد
خبرنگار



«چتر تابستان» نوشته «لیسا گرف» داستان آنی ریچاردز است که با ترس‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. اگر یک روز آبله‌مرغان بگیرد و بمیرد چی؟ اگر موقع دوچرخه‌سواری تصادف کند چی؟ اگر حیوانات وحشی از باغ وحش فرار کنند چی؟ او مرتب باند و پانسمن می‌خرد و اگر نقطه‌ای هم روی دستش ببیند، فوراً